

داستان لاستیک البرز و امید درس آموزی کارگران

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

یکشنبه بیست یکم مهر ۱۳۸۷

سرانجام پرده ها کنار رفت و رازی که برای عده ای سربه مهر می نمود از پرده برون افتاد. اکنون دیگر همه چیز روشن شده است. سرمایه داران لاستیک البرز با هیچ نوع کمبود نقدینگی مواجه نبوده اند. هیچ گونه مشکل مالی نداشته اند. بازار فروش آن ها از بالاترین سطح رونق برخوردار بوده و از همه آنچه که لازمه سوداندوزی کلان و کلان تر است به اندازه کافی نصیب داشته اند. اسرار مکتشفه به این جا محدود نمی شود. روشن شد که همه نهادهای دولتی سرمایه به کل مسائل کارخانه بسیار بهتر و دقیق تر از خود سرمایه داران واقف بوده اند. معلوم شد که همه چیز ترنند و توطئه و وارونه پردازی بوده است. باز هم ادامه دهیم. معلوم شد که بحث انتقال کارخانه از مالکیت صاحبان خصوصی به دولتی فقط حلقه ای از زنجیره سراسری ترنندها است. معلوم شد که کارگران به رغم تمامی هشیاری و بیداری باز هم از شناخت سیره و سنت و رسم کار سرمایه قاصر بوده اند و بالاخره معلوم شد که ما حقیقت مسئله را می گفتیم. ماجرا از این قرار است: در طول مدتی که مبارزات کارگران جریان داشته است، سرمایه داران صاحب کارخانه لاستیک البرز دست به کار سرمایه گذاری در کشور چین، تأسیس کارخانه لاستیک البرز در چین، برنامه ریزی استثمار کارگر چینی، تهیه لاستیک های ارزان تر، صادر کردن لاستیک ها به بازار داخلی ایران و کسب سودهای بسیار طلایی تر و انبوه تر در قیاس با تولید در کارخانه کنونی لاستیک سازی بوده اند. آنان در طی این مدت برنامه های خود را پیش برده اند. تمامی امور اداری و قانونی و کسب مجوز و تصمیم گیری های دولتی آن را پشت سر نهاده اند. سرمایه داران در طول این مدت کل سرمایه و دارو ندار کارخانه یا همان حاصل کار و استثمار توده های کارگر عاصی در حال مبارزه را نیز از کارخانه کنونی خارج و به سرمایه گذاری انبوه در کشور چین پیوند زده اند. آری، در همان روزهایی که کارگران لاستیک البرز در راه بندان ها، اعتصاب ها و تحصن جلو مجلس و وزارت کار خواستار پرداخت حقوق معوقه و انتقال مالکیت کارخانه از سرمایه داران خصوصی به دولتی بودند، سرمایه داران همه ترنندهای بالا را باتبانی دولت سرمایه علیه کارگران به اجرا نهاده اند. اکنون جا دارد که ما یک بار دیگر این سؤال را تکرار کنیم: آیا وقت آن نرسیده است که به جای مبارزه با دست خالی با دست پر بجنگیم، کارخانه را تصرف کنیم، علیه انتقال سرمایه ها به کشور چین مبارزه کنیم، به سرمایه داران اخطار کنیم که حق انتقال هیچ ریالی از حاصل کار و استثمار ما را به جاهای دیگر ندارند و خودشان می توانند بدون سرمایه های حاصل استثمار ما گور خود را گم کنند و به هر کجا که می خواهند بروند؟ آیا وقت آن نرسیده است که شورای ضد سرمایه داری خویش را سازمان دهیم و همراه با همه توده های همزنجیر دولت سرمایه داری را مجبور کنیم که تمام وسائل و لوازم چرخه تولید را به صورت رایگان در اختیار ما قرار دهد. به نظر ما برای این کار حتی دیر هم شده است. اما ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است، و مبارزه طبقاتی آگاهانه و متشکل با هر تأخیری امر اجباری و حیاتی ما است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) - ۱۹ مهر ۸۷ www.hamaahangi.com